

این‌ها نمونه‌هایی از نقاشی‌های گروه «استریت مورالیست» بر دیوارهای زاهدان است



مناسی گرفته شده است. این نشان می‌دهد که حمایت‌های مردمی خوبی شکل گرفته است. مردم زیبایی را دوست دارند، حتی اگر آثار غربی باشند. زاهدان شرایط آب و هوایی خاصی دارد. رنگ در این شهر کم است. احتیاج داریم که زیبایی بیشتری به وجود آوریم. بچه‌ها دنبال دیدن چهره‌ها نیستند. آنها برای خودشان نیامده‌اند، برای شهرشان آمده‌اند.

مشکل‌ها را در آن برطرف کرده. هنوز زمان لازم است. کار کردن در خیابان با حرف‌های مردم سخت است. برای مردم این کارها نامتعارف به نظر می‌آید و فکر می‌کنند حتما باید چیزی بگویند و رد شوند. اعضای این گروه اما این قضیه را به جان خریدند و خانواده‌ها هم حمایت کرده‌اند. در زمان کوتاهی که از فعالیت گروه می‌گذرد، نتیجه

لازم است که هنرمندان خودشان وارد کار شوند. بچه‌های «استریت مورالیست» بدون حمایت خاصی کارهایی را اجرا کردند که با استقبال خوب مردم مواجه شده است. حالا از شهرداری برای آنها پیام‌های مژگانه می‌آید؛ در صورتی که قیلابرایشان پیام‌های تهدیدآمیز می‌رسد! واقعیت آن است که شهرهای کوچک محدودیت‌هایی دارند و به سرعت نمی‌شود همه

جلوی سنگ اندازی‌های شهرداری روهم گرفت.

• **خب شما که این قدر حرف‌ها را استقلالی می‌زنید، چرا شعار «نگار خانه‌ای به وسعت یک شهر» را انتخاب کرده‌اید؟** این شعار مال شهرداری است.

لیلی: خوب مفهوم این شعار دقیقا با هدف گروه همخوانی داشته و دارد. گروه ما از زاویه نگاه خودش از این شعار استفاده می‌کند. بعد هم شعار کدام شهرداری است؟

• **سال ۹۴ بود که سازمان زیباسازی تهران با بکارگیری بیش از ۱۶۰۰ سازه تبلیغاتی در پایتخت طرحی تحت عنوان «نگار خانه‌ای به وسعت یک شهر» را اجرا کرد. شما با استفاده از این شعار، استقلال خود را از رسوای می‌برید.**

زهرا: کسی که این جازندگی می‌کند، متوجه می‌شود که از شهرداری چنین کارهایی بر نمی‌آید. واقعیت این است که هنوز این شعار قطعی نیست.

• **دیوارها را بر چه اساسی انتخاب می‌کنید؟**

لیلی: تزجیح دیوارهای خیابان‌های اصلی شهر. چون می‌خواهیم کارها دیده شوند.

زهرا: و مردم نسبت به آن‌هایی که اجرامی کنیم، شناخت پیدا کنند.

• **خب به بحث مجوز برسیم. کار زدن روی این دیوارها مجوز نمی‌خواهد؟**

فانزه: اوایل دنبالش رفتیم؛ اما به خاطر این که شهرداری در قبال ارائه مجوز از ما تقاضای همکاری داشت، قیدش را زدیم.

زهرا: از طرف انجمن تجسمی حمایت می‌شویم و همین باعث شده که نیازی به مجوز شهرداری نداشته باشیم.

• **یعنی انجمن تجسمی می‌تواند مجوز کار زدن روی دیوار را بدهد؟ مگر در زاهدان متولی این امور شهرداری نیست؟ انجمن هیچ تقاضایی از شما نداشته؟ مثلاً طرح خاصی را به شما سفارش نداده است؟**

زهرا: نه، هیچ دخالتی در کار نیست. حتی آنها از ما خواستند که نگوییم از طرفشان حمایت می‌شویم.

لیلی: ببینید، رئیس انجمن تجسمی اداره ارشاد بار رئیس سازمان زیباسازی و مسئولان شهرداری صحبت کرده‌اند.

• **شما برای خودتان از ترکیب «استریت مورالیست» استفاده کرده‌اید. چرا «استریت آر تیسست» نه؟ چرا «گرافیتی کار» نه؟**

لیلی: کار ما گرافیتی نیست. «استریت مورالیست» به معنی نقاشی دیواری خیابانی است؛ یعنی دقیقا کاری که ما انجام می‌دهیم.

• **چه فرقی بین این ترکیب‌ها قائلید؟**

لیلی: گرافیتی یک نوع هنر اعتراضی است و هدف دیگری دارد.

• **شما از آشکار شدن چهره‌های تان جلوگیری می‌کنید. این یعنی یک فصل مشترک با گرافیتی کارها. اما از طرف دیگر، قانونی کار می‌زنید...**

فانزه: ما برای این نمی‌خواهیم چهره‌هایمان دیده شود که بیشتر به کارهایمان توجه شود تا به خودمان. اما کسانی که گرافیتی می‌زنند، شاید برای این که کار اعتراضی انجام می‌دهند، نمی‌خواهند دیده شوند. این دو موضوع کاملا متفاوت است.

• **به فرم و محتوای کارها برسیم. طرح‌ها چطور انتخاب می‌شوند؟**

لیلی: بیشتر از آثار شناخته شده استفاده می‌کنیم.

زهرا: از معروفترین آثار جهان که اکثریت مردم آنها را می‌شناسند، بهره‌برداریم.

• **و فکر می‌کنید مردم منطقه با آن کارها آشنا می‌دارند؟**

فانزه: اکثریت نه، و هدف ما این است که آنها را آشنا کنیم.

زهرا: آثار معروف جهان را انتخاب می‌کنیم تا مردم با آنها آشنا شوند.

• **اغلب کارهای شما به نقاشی‌های آبرنگ است. این نوع نقاشی‌ها معروف‌تر است. به این فکر کرده‌اید که مقداری با سوزن‌های ایرانی و محلی کار کنید؟**

پانیده: ما قرا است آثار معروف دنیا را اجرا کنیم که قطعا در بین آنها آثار ایرانی هم هست.

• **پانیده:** قطعا در آینده کار انجام می‌دهیم.

• **به نظر تان این چیزی است که مردم منطقه در حال حاضر با دیدن دیوار ببینند؟**

پانیده: خب این چیزی است که همه مردم نیاز دارند؛ چه در این منطقه و چه در جاهای دیگر.

• **مردم منطقه چقدر با این نقاشی‌ها ارتباط می‌گیرند؟ باز خوردهای میدانی شما چطور بوده؟**

پانیده: کمی برایشان عجیب است. باز خورد متفاوت بوده.

لیلی: اکثر مردم از کار ما خوششان می‌آید و سعی می‌کنند بیشتر با آن آشنا شوند.

• **هدف نهایی تان؟**

لیلی: تبدیل زاهدان به نگارخانه و در آخر معرفی هنر جهان به مردم؛ چیزی که هیچ وقت برایش تلاش نکردیم.

• **اگر بزرگترین دیوار زاهدان را به شما بدهند، با آن چه کاری می‌کنید؟**

پانیده: یک اثر معروف را روی آن نقاشی می‌کنیم.

زهرا: شاید آن روز سبک خودمان را داشته باشیم و یک نقاشی که خالقش خودمان باشیم را بکشیم.

• **راستی، بعضی از کارهای شما تخریب شده و دوباره در دستش کرده‌اید. معمولاً چقدر از این اتفاق‌ها می‌افتد؟ چطور شد که خواستید بازسازی‌اش کنید؟**

لیلی: فقط یکی از آنها تخریب شد که من انتظارش را هم داشتیم. بازسازی‌اش کردیم.

فانزه: از سر نادانی خرابش کرده بودند. هدف خاص و خصوصیت شخصی پشتش نبود.

زهرا: هر راهی سختی‌های خودش را دارد. ما از اول منتظر این جور مشکل‌ها بودیم. با سکوت کردن و دست‌روی دست گذاشتن هم چیزی درست نمی‌شود. پس چرا ما با انگیزه‌مان در دهان فردی که کار را خراب کرده، نزنیم؟ صدار دیگر هم اگر خط‌خطی‌اش کنند، ما باز هم در دستش می‌کنیم.

• **به عنوان یک استریت آر تیسست زن، وضع خیابان‌ها را برای حضور زن‌ها چطور می‌بینید؟**

لیلی: بعضی وقت‌ها ما از احمق‌هایی رویه‌رو می‌شویم؛ اما ما توجهی نمی‌کنیم. چون اگر توجه کنیم، نمی‌توانیم کارمان را انجام دهیم. برای همین از آنها عبور می‌کنیم.

هدف ما مستقل ماندن است. شهرداری ناحیه‌های مختلف و حتی شهرداری کل هم به ما پیشنهاد همکاری داده‌اند، اما ما می‌خواهیم چهار زن مستقل باقی بمانیم

کار برای استریت آر تیسست‌های زن خیلی سخت است. اما وقتی ناامید نشوی و اراده داشته باشی، به هدفی که می‌خواهی، میرسی. امیدواریم با این فعالیتی که انجام دادیم، بتوانیم ذره‌ای راه را برای همجنس‌هایمان آسان کرده باشیم

هر راهی سختی‌های خودش را دارد. ما از اول منتظر مشکل‌ها بودیم. با سکوت کردن و دست گذاشتن هم چیزی درست نمی‌شود. پس چرا ما با انگیزه‌مان در دهان فردی که کارمان را خراب کرده، نزنیم؟ صد بار دیگر هم اگر خط‌خطی‌اش کنند، ما باز هم درستش می‌کنیم

آدم در خیابان در معرض خشم و شادی مردم قرار می‌گیرد. ما یاد گرفتیم که چطور برابر این واکنش‌ها احساسات مان را کنترل کنیم

در خیابان هر آدمی با هر سنی و هر جنسیتی و هر سطح فرهنگی و اقتصادی می‌تواند نقاشی‌ها را ببیند و از شهرش لذت ببرد. این حس خوبی به ما می‌دهد



نهایت اثری که گذاشته شده این است که روی بعضی از دیوارها گل کشیده‌اند

لیلی: دیوارهای زاهدان بی‌نگارند؛ خالی از زیبایی و هنر. هیچ نشانی از تلاش برای خلق هنر دیده نمی‌شود.

• **و دوست دارد که چه رنگی باشند؟**

فانزه: رنگی رنگی.

زهرا: رنگ هنر واقعی.

پانیده: چه میدونم، نارنجی.

لیلی: اگر رنگ‌های یکدست اما متفاوتی به دیوارها بزنند، از شرایطی که الان دارد، بهتر می‌شود.

• **بعضی‌ها می‌گویند که «دیوارهای زاهدان بی‌روح‌اند».**

شما موافقید؟

زهرا: قطعاً اگر بی‌روح نبودند که دست به کار نمی‌شدیم.

پانیده: کاملاً موافقم.

لیلی: بله، اصلاً دلیل کار ما هم همین مورد بود.

• **قبل از شروع کار، گرافیتی یا نقاشی روی دیوارهای زاهدان دیده بودید؟**

لیلی: من چند جابرای سفارش با دبیر گرفته بودم.

پانیده: بله دیده بودم.

زهرا: گرافیتی بله.

فانزه: چیزهایی دیده بودم، اما کارهای جدی نبودند.

• **امضای خاصی پای کارها بود؟ چه موضوعی داشتند؟**

پانیده: دبیر خودمان کاری کرد.

لیلی: نه، امضای خاصی نبودم. موضوع اکثر کارها به شهرسوخته و تاریخ استان برمی‌گشت.

• **با گروه «تایت اسکول» ارتباط دارید؟ چقدر در سطح شهر فعال‌اند؟**

فانزه: من اطلاع خاصی ندارم.

زهرا: ما تا اونجایی که من میدونم، توسط هیچ ارگانی حمایت نمی‌شوند. تقریباً هر دو هفته یک کار می‌زنند. البته فوراً توسط شهرداری پاک می‌شود.

لیلی: بچه‌های «تایت اسکول» در هنرستان پسرانه درس می‌خوانند و همسمن ما هستند. فعالیت‌شان زیاد است. هر چند که تا الان همه کارهایشان به شکلی تخریب شده است. البته انتظاری هم نمی‌شود داشت. هنر گرافیتی در این شهر دوام نمی‌آورد.

• **تمایل دارید با گروه‌های دیگر همکاری کنید؟**

لیلی: ما از اول خودمان بودیم و هدفمان مستقل ماندن است. حتی شهرداری‌های ناحیه‌های مختلف و حتی شهرداری کل هم به ما پیشنهاد همکاری داد. اما ما می‌خواهیم ۴ زن مستقل باقی بمانیم. البته انجمن تجسمی در این راه خیلی به ما کمک کرد و